

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 32, Summer 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



An Investigation of reference in Persian discourse markers

Ranjbari.Elnaz¹-Golfam.Arsalan^{2*}-Karbalaei Sadegh.Mahnaz³

1: PhD student in Linguistics, Azad University, Department of Science and Research, Tehran, Iran.

2: Associate Professor of Linguistics, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran: Corresponding Author (golfamar@modares.ac.ir)

3: Assistant Professor in Linguistics, Azad University, Department of Science and Research, Tehran, Iran.

Discourse markers are language elements that linguists do not have a consensus about their nature as well as their role and function. The present study aimed to investigate the function of Persian discourse markers as reference elements, based on Fraser's (1999, 2006) approach. For this purpose, a corpus of two types of political and economic texts was selected. Taking print run and history into consideration, 16 editorials of Kayhan newspaper for political texts and 15 editorials of Donya-e-Eqtasad newspaper for economic texts were analyzed, and the discourse markers were classified into four categories: contrastive, elaborative, inferential and temporal. Data analysis showed that the formula presented by Fraser (1999, 2006), for the sequence of sentences connected by discourse markers, is slightly different in Persian and should be rewritten as S2+DM.S1 /S1.S2 + DM. Furthermore, based on the importance of the information contained in the sentences preceding and succeeding the markers, they can be divided into cataphoric marking (markers placed after the main message), anaphoric marking (markers placed before the main message), and joint marking (markers placed between two main messages). Data analysis indicated that contrastive and elaborative markers are considered as joint marking, and inferential and temporal markers are anaphoric marking in Persian. Based on the research findings, it can be concluded that discourse markers can have a referencing function in information structure.

Keywords: discourse marker, reference, information structure, corpus

- E. Ranjbari, A. Golfam, M. Karbalaei Sadegh (2023). An Investigation of reference in Persian discourse markers, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(32), 111-134.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.27479.2137](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.27479.2137)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۲ - تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۱۱ - ۱۳۴ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۴/۱۵ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۹/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

بررسی ارجاع در نشانگرهای گفتمان زبان فارسی

الناز رنجبری^۱/ارسلان گلغام^{۲*}/مهناز کربلایی صادق^۳

۱: دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) golfamar@modares.ac.ir

۳: استادیار زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده: نشانگرهای گفتمان، عناصر زبانی هستند که درباره ماهیت و همچنین نقش و کارکرد آن‌ها، بین زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی کارکرد نشانگرهای گفتمان در زبان فارسی به عنوان عناصری ارجاعی بر اساس دیدگاه فریزر است. بدین منظور، پیکره‌ای از دو نوع متن سیاسی و اقتصادی انتخاب شد. با توجه به شمارگان چاپ و قدمت، برای متن سیاسی، شانزده سرمقاله روزنامه کیهان و برای متن اقتصادی، پانزده سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد بررسی شد که نشانگرهای گفتمان در چهار طبقه نشانگرهای تقابلی، تفصیلی، استنتاجی و زمانی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها نشان داد در زبان فارسی، فرمول ارائه شده توسط فریزر درباره توالی جمله‌هایی که با نشانگرها به هم مرتبط می‌شوند، اندکی متفاوت است و باید آن را به صورت S1، S2+DM یا S1.S2+DM بازنویسی کرد. همچنین بر اساس اهمیت اطلاعاتی که در جملات پیش و پس از نشانگرها وجود دارد، می‌توان آن‌ها را به انواع پیش‌مرجع (نشانگرهای که پس از پیام اصلی قرار می‌گیرند)، پس‌مرجع (نشانگرهای که پیش از پیام اصلی قرار می‌گیرند) و مرجع مشترک (نشانگرهای که بین دو پیام اصلی قرار می‌گیرند) تقسیم‌بندی کرد. در زبان فارسی، تحلیل داده‌ها نشان داد که از نظر ارجاع‌دهی، نشانگرهای تقابلی و تفصیلی از نوع مرجع مشترک محسوب می‌شوند و نشانگرهای استنتاجی و زمانی از نوع پس‌مرجع هستند. یافته‌های پژوهش بیان می‌کند که نشانگرهای گفتمان می‌توانند نقش و کارکردی ارجاعی در ساخت اطلاع داشته باشند.

کلیدواژه: نشانگر گفتمان، ارجاع، ساخت اطلاع، پیکره.

- رنجبری، الناز؛ گلغام، ارسلان؛ کربلایی صادق، مهناز (۱۴۰۲). بررسی ارجاع در نشانگرهای گفتمان زبان فارسی. *مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۲، صفحات ۱۱۱-۱۳۴.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.27479.2137](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.27479.2137)

۱. مقدمه

گویشوران یک زبان می‌توانند با ترکیب جملات، افکار و اندیشه‌های مدنظر خود را بیان کنند. آن‌ها با ترکیب جمله‌ها، واحدهی بزرگ‌تر تشکیل می‌دهند که متن^۱ نام دارد. یکی از عوامل ایجاد بافت متن، نشانه‌های صوری و آشکار متن است که نشانه‌های انسجام^۲ نامیده می‌شوند (براون و یول^۳، ۱۹۸۳: ۱۹۱). به‌کارگیری نشانه‌های انسجام، موجب پیوستگی و در نهایت، سادگی متن می‌شود. هلیدی^۴ و حسن (۱۹۷۶) این نشانه‌های انسجام را عوامل پیوندی می‌نامند و امروزه با عنوان نشانگرهای گفتمان^۵ در نظر گرفته می‌شوند. زبان‌شناسان با رویکردهای متفاوت به زبان، هنوز توافقی بر سر ماهیت نشانگرهای گفتمان ندارند و تعریفی کامل و منسجم از این پدیده زبانی که مورد توافق همه آن‌ها باشد، وجود ندارد. هرچند می‌توان گفت در زبان‌شناسی، نشانگر گفتمان، واژه‌ها یا عباراتی هستند که فاقد معنای گزاره‌ای^۶ بوده و تقریباً از نحو مستقل هستند و تغییرات معنایی گزاره‌ای جمله ایجاد نمی‌کنند؛ مانند well, now, oh در زبان انگلیسی. به دیگر سخن، نشانگر گفتمان، واژه‌ها یا عباراتی هستند که میان آنچه بیان می‌شود و بافت مدنظر ارتباط برقرار می‌کنند و در این میان، نگرش سخن‌گو را نیز در خصوص آنچه می‌گوید، نشان می‌دهند (مؤمنی، ۱۳۸۵).

علی‌رغم این واقعیت که نشانگرهای گفتمان^۷ از دهه ۱۹۷۰ به‌طور گسترده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، هنوز بحث و جدل‌های زیادی بین محققان وجود دارد که چارچوب‌های نظری متفاوت یا حتی مشابهی را درباره ماهیت این عناصر اتخاذ می‌کنند. محققانی که این عناصر را مطالعه کرده‌اند، درباره ویژگی‌ها، طبقه‌بندی‌ها،

1. text
2. cohesion
3. Brown and Yule
4. Halliday
5. discourse markers
6. propositional
7. discourse makers

کارکردها، معانی اصلی، تعاریف یا حتی برچسب‌هایی که قرار است بر اساس آن‌ها تحلیل شوند، توافق نظر ندارند؛ به‌عنوان مثال، بلک‌مور^۱ (۱۹۸۷) از آن‌ها به‌عنوان پیوندهای گفتمانی^۲ نام می‌برد؛ درحالی‌که ردکر^۳ (۱۹۹۱) آن‌ها را عملگرهای گفتمان^۴ معرفی می‌کند؛ از این‌رو، تعاریف مختلفی برای توضیح ماهیت و کارکرد این عناصر زبانی ارائه شده است. آیمر^۵ (۲۰۰۲) معتقد است نشانگرهای گفتمان، علی‌رغم اینکه به‌عنوان بخشی از جمله یا پاره‌گفتار به کار می‌روند، در محتوای گزاره‌ای^۶ پیام، نقشی ندارند و به معنای آن گزاره، چیزی اضافه نمی‌کنند. فریزر^۷ (۱۹۹۹) بیان می‌کند که در هر زبان، گروهی از عبارات واژگانی وجود دارند که اگرچه به‌عنوان بخشی از یک جزء گفتاری به کار می‌روند، در محتوای گزاره‌ای پیام انتقال‌یافته هیچ نقشی ندارند. فریزر (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که نشانگرهای گفتمان به‌طور بالقوه، هم معنای ادراکی^۸ و هم معنای رویه‌ای^۹ دارند که نسبت‌های آن‌ها یکسان نیست.

بسیاری از مطالعات اخیر درباره نشانگرهای گفتمان، اغلب بر اساس داده‌های پیکره‌ای، بینش‌های ارزشمندی را در خصوص این عناصر زبانی ارائه کرده‌اند. با وجود این، درک ما از ماهیت و کارکرد نشانگرهای گفتمان هنوز کامل و دقیق نیست. تجزیه و تحلیل توزیعی و جایگزینی نشانگرهای گفتمان، نشان می‌دهد آن‌ها معانی و کارکردهای متعارفی دارند که بخشی از دانش زبانی ما را تشکیل می‌دهد. در این زمینه، به نظر می‌رسد یکی از کارکردهای خاص نشانگرهای گفتمان، مربوط به ارجاع‌دهی^{۱۰}

-
1. Blakemore
 2. discourse connectives
 3. Redeker
 4. discourse operators
 5. Aijmer
 6. propositional
 7. Fraser
 8. conceptual
 9. procedural
 10. referring

و شکل‌دهی ساخت اطلاع^۱ باشد. البته ارجاع دارای کارکردهای دیگری، از جمله انسجام‌آفرینی نیز هست (حاج‌عیدی و رضویان، ۱۳۹۷: ۷۰). ساخت اطلاع می‌تواند تأثیرات خود را بر حوزه‌ی نحو از طریق ترتیب قرارگرفتن سازه‌ها و جملات نشان دهد. برای سازمان‌دهی ساخت اطلاع در سطح ساخت‌واژی، گویشوران زبان از صورت‌های ارجاعی^۲ به‌منظور ارجاع به یک مرجع^۳ استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که در حوزه‌ی گفتمان، بیشتر روابط گفتمانی برای سازمان‌دهی ساخت اطلاع شامل تقارن یا عدم‌تقارن بین ایده‌های مرتبط^۴ است؛ به این معنی که یک ایده ممکن است به‌صورت برجسته‌تر^۵ یا پیش‌زمینه‌تر^۶ از ایده‌ی دیگری مطرح شود. در همین زمینه، این نگرش ایجاد شده که ممکن است نشانگرهای گفتمان، نقشی در شکل‌دهی ساخت اطلاع داشته باشند. از آنجایی که در بسیاری از زبان‌ها، به‌ویژه در زبان فارسی، نقش و کارکرد نشانگرهای گفتمان به‌عنوان عناصری ارجاعی بررسی نشده است، در پژوهش حاضر قصد داریم کارکرد این نشانگرها را به‌عنوان عناصری ارجاعی در زبان فارسی بر اساس رویکرد فریزر (۱۹۹۹، ۲۰۰۶) بررسی کنیم.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه نشانگرهای گفتمان زبان فارسی می‌توانند کارکردی ارجاعی داشته باشند؟ علاوه بر این، پرسش دیگری که می‌توان در این زمینه مطرح کرد، این است که در صورت قائل‌شدن به کارکرد ارجاعی برای این عناصر زبانی، طبقه‌بندی نشانگرهای گفتمان از نظر ارجاع‌دهی در زبان فارسی، به چه صورت خواهد بود؟

1. information structure
2. referring forms
3. referent
4. related ideas
5. more salient
6. more foregrounded

۲. پیشینه پژوهش

در این موضوع، پژوهش‌هایی در داخل و خارج ایران صورت گرفته است که می‌توان به تامسون^۱ (۲۰۰۳)، کرافورد^۲ (۲۰۰۴)، پارتینگتون^۳ (۲۰۱۴)، دروئی^۴ (۲۰۱۵)، زارع (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) و سالک و جلالی (۱۴۰۰) اشاره کرد. در ادامه، به معرفی برخی از این پژوهش‌ها خواهیم پرداخت.

تامسون (۲۰۰۳) نقش فراگفتمان^۵ را در ارائه‌های کلاسی بررسی می‌کند. او عبارت‌هایی را به‌عنوان نشانگر شناسایی کرده که آن‌ها را بر اساس نقشی که در سازمان‌دهی متن ایفا می‌کنند، در سه دسته ارجاع به محتوا یا موضوع، ارجاع به سخنرانی یا بخشی از سخنرانی و ارجاع بین‌فردی یا اشاره به سخنران/مخاطب طبقه‌بندی می‌کند. کرافورد (۲۰۰۴, ۲۰۰۷) با استفاده از پیکره مشتمل بر دوازده ارائه انگلیسی درباره موضوع بازرگانی و ده ارائه منتخب از پیکره مایکیس^۶، نشانگرهای برجسته کردن مطلب را بررسی کرده است. او شش نوع نشانگر پیش‌مرجع^۷ و شش نوع نشانگر پس‌مرجع^۸ را در متون بررسی شده شناسایی کرده است. نشانگرهای برجسته‌کننده مطلبی که او شناسایی کرده، دارای ساختارهای متشکل از اسم‌های اشاره، صفت‌های ارتباطی، اسم‌های فرازبانی و فعل ربطی هستند.

پارتینگتون (۲۰۱۴) با بررسی نشانگرهای اهمیت درون‌متنی و برون‌متنی، چگونگی برجسته کردن مطلب‌های مهم را در سطح خرد و کلان بررسی کرده است. او برای پژوهش خود از دوازده سخنرانی با موضوع اقتصاد و پانزده سخنرانی با موضوع علوم و فناوری بهره برده است. پارتینگتون (۲۰۱۴) در بررسی‌های خود، نشانگرهای اهمیت

-
1. Thompson
 2. Crawford
 3. Crawford
 4. Deroey
 5. metadiscoursal
 6. MICASE
 7. cataphoric marking
 8. anaphoric marking

درون‌متنی را از نظر ارجاع‌دهی، به دو دسته پیش‌مرجع و پس‌مرجع تقسیم‌بندی کرده است.

دروئی (۲۰۱۵) بر اساس نشانگرهای گفتمان اهمیت مطلب، ساختارهای استفاده‌شده برای پررنگ کردن نکات مهم در ارائه‌های انگلیسی را با توجه به شاخص جهت‌گیری پیش‌مرجع، پس‌مرجع و مرجع مشترک، به دو دسته تعاملی و متنی تقسیم می‌کند. او در تجزیه و تحلیل خود درمی‌یابد که این ساختارها با جهت‌گیری‌های متنی، مخاطب، ارائه‌دهنده و مشترک، به ترتیب از الگوهای اسم- فعل ربطی، فعل-اسم، ضمیر اول‌شخص-فعل-اسم و ضمیر اول‌شخص- فعل-اسم پیروی می‌کنند. علاوه بر این، دروئی دریافت که نشانگرهای اهمیت پس‌مرجع، پیش‌مرجع و مرجع مشترک، به ترتیب دارای ساختارهای فعل-اسم و اسم-فعل ربطی، ضمیر اشاره-فعل ربطی-صفت، ضمیر اشاره-فعل ربطی-اسم، ضمیر اشاره-فعل ربطی-صفت-اسم، ضمیر اول‌شخص-فعل-اسم و ضمیر اشاره-فعل ربطی-صفت-اسم هستند.

زارع (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی چگونگی ارجاع‌دهی در نشانگرهای اهمیت مطلب، به وسیله استادان دانشگاه با جنسیت مرد و زن می‌پردازد. به این منظور، رونوشت ۱۶۰ سخنرانی موجود در پیکره انگلیسی بنیاد را بررسی و فهرستی از نشانگرهای اهمیت مطلب را استخراج می‌کند. سپس این نشانگرها را به پنج دسته سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، پوشش موضوع، وضعیت مطلب و ارتباط با امتحان، گروه‌بندی کرده و از نظر ارجاع، به پیش‌مرجع، پس‌مرجع و مرجع مشترک تقسیم می‌کند. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که تمامی استادان، چه زن و چه مرد، بیشتر تمایل دارند در پیوند با نشانگرهای سازمان‌دهی کلام و وضعیت مطلب، به صورت پس‌مرجع به مطلب مهم اشاره کنند. هر دو گروه استادان در ارتباط با ویژگی پوشش‌دهی موضوع، تقریباً به طور مساوی از نشانگرهای پیش‌مرجع و پس‌مرجع استفاده می‌کنند. ویژگی ارتباط با امتحان

هم به وسیله استادان مرد و زن، فقط به صورت پیش مرجع انجام می شود. تعامل با مخاطب، در نشانگرهای اهمیت مطلب، بیشتر به صورت پس مرجع صورت می گیرد. به طور کلی، پژوهش او نشان داد بیشتر نشانگرهای اهمیت مطلب در سخنرانی های علمی انگلیسی، پس مرجع هستند. زارع (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر، چگونگی برجسته سازی نکته های مهم در ارائه های علمی فارسی را بررسی کرده است. او با استفاده از روش تحقیق ترکیبی و مبتنی بر یک رویکرد پیکره محور، از شصت ارائه مندرج در پیکره فارسی سخن، ساختارهای نشانگر اهمیت مطالب را استخراج می کند. یافته های پژوهش او نشان می دهد از نظر موقعیت نشانگر، هشت ساختار برای نشانگرهای پیش مرجع و نه ساختار برای نشانگرهای پس مرجع وجود دارد. در این میان، ساختارهای «نکته مهم + صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی» و «نکته مهم + سؤال امتحان» برای نشانگرهای پیش مرجع و ساختار «فعل + نکته مهم» برای نشانگرهای پس مرجع، دارای بیشترین فراوانی هستند. تعداد نشانگرهای پس مرجع در مقایسه با پیش مرجع، از فراوانی تکرار بیشتری برخوردارند.

۳. مبانی نظری

فریزر (۱۹۹۹) بیان می کند که در یک رشته متوالی از یک گفتمان که به صورت S1-S2 نشان داده می شوند و هر یک پیام کاملی را منتقل می کنند، یک عبارت واژگانی، تنها زمانی به عنوان یک نشانگر گفتمان در نظر گرفته می شود که در جایگاه ابتدایی S2 قرار گیرد و نشان دهد که رابطه ای بین S1 و S2 وجود دارد. از نظر فریزر، نشانگرهای گفتمان با هر نامی که برای آنها در نظر گرفته شود، در یک ویژگی مشترک اند. این ویژگی مشترک آن است که این نشانگرها موجب ایجاد رابطه بین آن قسمت از گفتمان که نشانگر، جزئی از آن است، یعنی S2 و بخش پیش از آن، یعنی S1 می شوند. او این تعریف از نشانگرهای گفتمان را به صورت یک قانون یا فرمول ارائه می کند:

$$- S1.DM+S2$$

۱. S1 [Susan is married.] DM [So], S2 [she is no longer available I guess.]

نماینده DM (Discourse Marker) نماینده پاره گفتار اول، S1 در این فرمول، پاره گفتار دوم است که نشانگر گفتمان در آن قرار دارد. از نظر S2 نشانگر گفتمان و فریزر (۲۰۰۶) با استفاده از فرمول فوق می توان نکات زیر را از نشانگرهای گفتمان به دست آورد:

۱. بر اساس این تعریف، نشانگرهای گفتمان باید عباراتی واژگانی باشند.
۲. بر اساس این تعریف، S1 و S2 اجزای مجاور هم در یک گفتمان هستند.
۳. در این تعریف از نشانگرهای گفتمان، دو بخش S1 و S2 باید پیام کاملی را منتقل کنند.

۴. عبارت های واژگانی، پیش از بخش دوم، یعنی S2 قرار می گیرند. فریزر (۱۹۹۹) نشانگرهای گفتمان را بر اساس عملکردی که در گفتمان دارند، در دو طبقه اصلی قرار می دهد:

۱. نشانگرهای گفتمان که پیام ها^۱ را به هم مرتبط می سازند (مرتبط کننده پیام)؛
 ۲. نشانگرهای گفتمان که عنوان های^۲ مختلف را به هم مربوط می سازند.
- از نظر فریزر، طبقه اول، شامل نشانگرهای گفتمانی می شود که برخی از ابعاد یک پیام را که توسط S1 و S2 منتقل می شوند، به هم مربوط می سازند. فریزر (۲۰۰۶) بیان می کند که اگرچه بیش از صد نشانگر گفتمان در زبان انگلیسی وجود دارد، در استفاده از آنها تنها چهار نوع رابطه معنایی اصلی، یعنی تقابل، تفصیل، استنتاج و زمان موجود است. او برای هر چهار طبقه نشانگرها یک نشانگر اولیه^۳ در نظر می گیرد. فریزر، طبقه اول، یعنی نشانگرهای گفتمانی مرتبط کننده پیام را به چهار زیر طبقه اصلی تقسیم می کند:

1. messages
2. topics
3. primary

۱. نشانگرهای تقابلی^۱: این نشانگرها نشان می‌دهند تعبیر دقیق و واضح S2 با تعبیر S1 در تضاد و تقابل است؛ مانند:

but, alternatively, although...

۲. نشانگرهای تفصیلی^۲: این گونه نشانگرها نشان می‌دهند رابطه کم‌و بیش مشابه بین S1 و S2 وجود دارد؛ مانند:

and, above all, also...

۳. نشانگرهای استنتاجی^۳: این گروه از نشانگرها نشان می‌دهند S2 می‌تواند به‌عنوان نتیجه‌ای که از S1 به دست می‌آید در نظر گرفته شود؛ مانند:

so, after all, all things considered...

۴. نشانگرهای زمانی^۴: این نشانگرها نشان می‌دهند بین دو بخش S1 و S2 نوعی رابطه زمانی برقرار است؛ مانند:

then, after, as soon as, before, eventually...

هانستن^۵ (۱۹۹۴) به بررسی نشانگرهای ارتباط^۶ می‌پردازد. از نظر وی، نشانگرهای ارتباط، نقش سازمان‌دهی مهمی در متن دارند و به‌طور خاص، در ابتدا یا انتهای واحدهای زبانی ظاهر می‌شوند، هر چند همیشه بر آغاز یا پایان پاراگراف‌ها منطبق نیستند. وی چهار ویژگی را برای نشانگرهای ارتباط بیان می‌کند:

۱. نشانگرهای ارتباط به‌طور واضح، ارتباط بخش‌های قبلی یا بعدی متن را مشخص می‌کنند. نبود آن‌ها به این معنا نیست که متن مهم نیست، بلکه اهمیت آن به‌صورت ضمنی نشان داده می‌شود یا به قوه قضاوت خواننده واگذار می‌شود.

۲. نشانگرهای ارتباط از آن جهت که اطلاعاتی درباره پیشرفت گفتمان ارائه می‌دهند، فراگفتمانی هستند و خود گفتمان را به‌عنوان یک مورد^۷ ارزیابی می‌کنند.

-
1. contrastive discourse marker (CDM)
 2. elaborative discourse marker (EDM)
 3. inferential discourse marker (IDM)
 4. temporal discourse marker (TDM)
 5. Hunston
 6. relevance
 6. item

۳. نشانگرهای ارتباطی در سازمان‌دهی متن نقش دارند.

۴. نشانگرهای ارتباط می‌توانند پیش‌نگر^۱ یا پس‌نگر^۲ باشند. نشانگرهای ارتباط پس‌نگر دارای یک عنصر پس‌مرجعی هستند و متن قبلی را بر اساس اهمیت برجسته می‌کنند. نشانگرهای پیش‌نگر دارای یک عنصر پیش‌مرجعی هستند و اهمیت متن بعدی را بیان می‌کنند.

آنچه در اینجا درباره نشانگرهای ارتباطی حائز اهمیت است، این است که اگر نشانگرهای ارتباط پس از مطلب مهم به کار گرفته شوند، پیش‌مرجع در نظر گرفته می‌شوند و چنانچه قبل از مطلب برجسته‌شده و مهم واقع شوند، پس‌مرجع به شمار می‌روند.

لوئیس^۳ (۲۰۰۶) بیان می‌کند نشانگرهای گفتمان، اغلب نقش‌بندی ساخت اطلاع را بر عهده می‌گیرند. در واقع، نشان‌دادن ساخت اطلاع، تابع اصلی بسیاری از نشانگرها است. نقش نشانگرهای گفتمان در پیش‌زمینه^۴ یا پس‌زمینه^۵ ایده‌های میزبانان^۶ را می‌توان در مثال‌های ۲ تا ۴ مشاهده کرد:

۲. The JREI has proved to be an outstanding success. In fact, the JREI has been so successful that [...] it is to be an annual event.

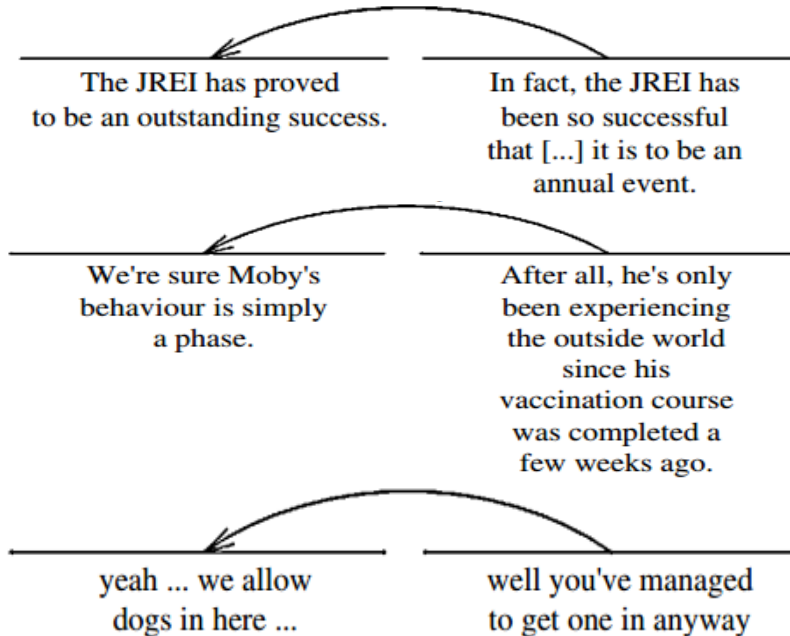
۳. We're sure Moby's behaviour is simply a phase. After all, he's only been experiencing the outside world since his vaccination course was completed a few weeks ago.

۴. yeah ... we allow dogs in here ... well you've managed to get one in anyway.

-
1. prospective
 2. retrospective
 3. Lewis
 4. foregrounding
 5. backgrounding
 6. host ideas

در ساخت اطلاع مثال‌های بالا که در زیر بازنمایی شده‌اند، نوک پیکان، به ایده اصلی اشاره می‌کند و ابتدای فلش، ایده اقماری^۲ مربوط به آن را نشان می‌دهد:
 نمودار ۱- بازنمایی ساخت اطلاع در مثال‌های ۲ تا ۴ (برگرفته از: فیشر^۳ ۲۰۰۶: ۴۸)

Chart 1: representation of information structure in examples 2-4
 (Fischer, 2006: 48)



پارتینگتون (۲۰۱۴) نیز در بررسی خود از نشانگرهای اهمیت درون‌متنی نشان می‌دهد آنچه را گوینده قرار است پس از نشانگر اهمیت بگوید، می‌توان به‌عنوان پس‌مرجع در نظر گرفت و آنچه را گوینده، تازه بیان کرده است، پیش‌مرجع تلقی کرد. در واقع، وی بر اساس اهمیت مطلبی که در جملات پیش و پس از نشانگرهای اهمیت قرار می‌گیرد، آن‌ها را به پیش‌مرجع و پس‌مرجع تقسیم‌بندی می‌کند.

1. nuclear idea
2. satellite idea
3. Fischer

۴. تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، برای بررسی کارکرد ارجاعی نشانگرهای گفتمان در زبان فارسی، پیکره‌ای از دو نوع متن سیاسی و اقتصادی انتخاب شد. برای متن سیاسی، شانزده سرمقاله روزنامه کیهان و برای متن اقتصادی، پانزده سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد بررسی شد و داده‌های مورد نیاز، از این متون استخراج گردید. در این زمینه، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نشانگرهای گفتمانی که فریزر (۱۹۹۹، ۲۰۰۶) طبقه‌بندی می‌کند، نشانگرهایی هستند که در زبان انگلیسی به کار می‌روند. در پژوهش حاضر، با حفظ طبقه‌بندی فریزر، بر اساس پیکره جمع‌آوری شده، نشانگرهای گفتمانی مرتبط‌کننده پیام که در زبان فارسی استفاده می‌شوند، مشخص شدند. شایان ذکر است نشانگرهای مشخص شده، تمام نشانگرهای گفتمانی موجود در زبان فارسی نیستند؛ اما تلاش شده است از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌ها در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر استفاده شود. در جدول ۱، طبقه‌بندی نشانگرهای گفتمان در زبان فارسی ارائه شده است.

جدول ۱- طبقه‌بندی نشانگرهای گفتمانی مرتبط‌کننده پیام در زبان فارسی بر اساس رویکرد فریزر (۱۹۹۹،

۲۰۰۶)

Table 1: Classification of discourse markers based on Fraser's approach (1999, 2006)

اعضای هر طبقه	طبقه نشانگر
اما، ولی، ولو، بلکه، اگر چه / گر چه، برخلاف، برعکس، با وجود (این/آن)، با این همه، هر چند، علی‌رغم (این/آن)، در مقایسه (با این/آن)، نظر به اینکه، در مقابل (این/آن)، در حالی که، از طرفی، حال آنکه، در تقابل با (این/آن)، با این حال، با وجود (این/آن)، از سوی دیگر، در برابر، به جای (این/آن)، صرف‌نظر از (این/آن)، به هر حال	نشانگرهای تقابلی

<p>و، همچنین، نیز، همچنان، به‌طور متناوب، به‌طور مشابه، علاوه بر این، به همان/همین ترتیب، به‌طور متناظر، در عین حال، به‌طور مساوی، برای نمونه/مثال، به‌عنوان مثال، بعلاوه، به‌طور خاص، به‌طور دقیق‌تر، مضاف بر این، بر این اساس، یا، ضمن این/آنکه، در غیر این صورت، به عبارت ساده‌تر، به عبارت دیگر، به سخن دیگر، به بیان دیگر، یعنی (به عبارتی)</p>	<p>نشانگرهای تفصیلی</p>
<p>بنا بر این، زیرا، چون، نتیجتاً، البته، در نتیجه، به این/آن دلیل، از این رو، از همین روی، نتیجه می‌شود که، از این جهت، لذا، بر این اساس، بر همین اساس، پس، بدین ترتیب</p>	<p>نشانگرهای استنتاجی</p>
<p>بعد (از)، سپس، حالا، مادامی که، به محض اینکه، پیش از، پس از، اکنون، نخست، قبل از، در آخر، سرانجام، بلافاصله، پس از آنکه، در این میان/بین، از این/زین پس، در ضمن، آنگاه، آن وقت، در ابتدا، زمانی که، بالاخره، نهایتاً، در نهایت، وقتی که</p>	<p>نشانگرهای زمانی</p>

به‌طوری که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در زبان فارسی نیز طبقه‌بندی فریزر (۱۹۹۹، ۲۰۰۶) از نشانگرهای گفتمانی مرتبط‌کننده پیام وجود دارد. فریزر برای هر یک از چهار طبقه، یک نشانگر اولیه در نظر می‌گیرد و دیگر نشانگرهای آن طبقه را اعضای عادی تلقی می‌کند. طبق جدول فوق، در طبقه‌بندی‌ها نشانگرهای اولیه، پررنگ‌تر از بقیه اعضای عادی مشخص شده‌اند.

در زبان فارسی نیز می‌توان به چهار نوع نشانگر تقابلی، تفصیلی، استنتاجی و زمانی قائل شد. بر این اساس، در ادامه، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که در زبان فارسی می‌توان برای نشانگرهای گفتمانی مرتبط‌کننده پیام، نقش و کارکردی ارجاعی در نظر گرفت. در این زمینه، لویس (۲۰۰۶) معتقد است نشانگرهای گفتمان، اغلب نقش‌بندی ساخت اطلاع را بر عهده می‌گیرند و نشان‌دادن ساخت اطلاع، تابع اصلی بسیاری از نشانگرهاست. همچنین پارتینگتون (۲۰۱۴) در بررسی خود از نشانگرهای

اهمیت درون‌متنی نشان می‌دهد آنچه را گوینده قرار است پس از نشانگر اهمیت بگوید، می‌توان به‌عنوان پس‌مرجع در نظر گرفت و آنچه را گوینده تازه بیان کرده است، پیش‌مرجع تلقی کرد. بر اساس آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد نشانگرهای مرتبط‌کننده پیام می‌توانند در شکل‌دهی ساخت اطلاع نقش داشته باشند و به‌عنوان عناصری ارجاعی در نظر گرفته شوند؛ از این رو، در این پژوهش به پیروی از لوئیس و پارتینگتون، به نشانگرهای مرتبط‌کننده پیامی که پس از پیام اصلی قرار می‌گیرند، پیش‌مرجع و به نشانگرهای مرتبط‌کننده پیامی که پیش از پیام اصلی قرار می‌گیرند، پس‌مرجع اطلاق می‌شود. همچنین نشانگرهای مرتبط‌کننده پیامی را که بین پیام اصلی قرار می‌گیرند، مرجع مشترک در نظر می‌گیریم. برای روشن‌شدن مطالب فوق، مثال‌های زیر از پیکره مورد بررسی ارائه شده است:

۵. S1 [لغو تحریم‌ها در تمام روند مذاکرات، اولویت ایران بوده است؛] DM [ما] S2 [ما در یک نشست مطبوعاتی مذاکره نمی‌کنیم] (سرمقاله روزنامه کیهان، شماره ۲۲۹۰۳).

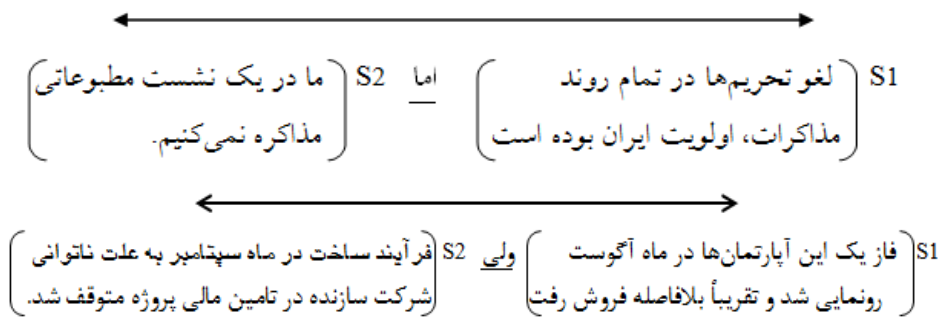
۶. S1 [فاز یک این آپارتمان‌ها در ماه آگوست رونمایی شد و تقریباً بلافاصله فروش رفت؛] DM [ولی] S2 [فرایند ساخت در ماه سپتامبر به‌علت ناتوانی شرکت سازنده در تأمین مالی پروژه متوقف شد] (سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۳۴۶).
۷. S1 [صهیونیست‌ها در لفاظی‌های خود، بارها از تأسیسات هسته‌ای نظنز به‌عنوان یکی از اهداف حملات به ایران صحبت کرده‌اند.] DM [در مقابل] S2 [نیز از تأسیسات اتمی رژیم صهیونیستی به‌عنوان اهداف احتمالی سخن به میان آمده است] (سرمقاله روزنامه کیهان، شماره ۲۲۹۲۴).

۸. S1 [رونق خرید خانه در طول دو دهه گذشته سبب شده است سهم بزرگی از ثروت خانوارهای چینی، در حدود ۷۰ درصد، در بخش املاک جمع شود؛] DM [در حالی که] S2 [این سهم در ایالات متحده حدود ۳۵ درصد است] (سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۳۴۶).

در مثال‌های ۵ تا ۸، نشانگرهای تقابلی «اما، ولی، در مقابل، در حالی که» بین دو جمله واقع شده و دو جمله S1 و S2 را به هم پیوند داده‌اند. در واقع، در مثال‌های فوق، نشانگرهای تقابلی پس از بخش اول پیام (یعنی S1) و در عین حال، پیش از بخش دوم پیام (یعنی S2) قرار گرفته و آن‌ها را برای شکل‌گیری یک پیام اصلی به هم پیوند داده‌اند. در این مثال‌ها، هر دو جمله S1 و S2 از نظر اهمیت، در یک سطح و حاوی بخشی از پیام اصلی هستند؛ به همین دلیل، چون این نشانگرها بین پیام اصلی قرار می‌گیرند، آن‌ها را از نوع مرجع مشترک در نظر می‌گیریم. بازنمایی ساخت اطلاع در مثال فوق و نقش نشانگرهای تقابلی به عنوان عناصری ارجاعی از نوع مرجع مشترک در زیر ارائه شده است:

نمودار ۲- بازنمایی ساخت اطلاع بر اساس نشانگرهای تقابلی

Chart 2: representation of information structure based on contrastive markers



به دلیل ماهیتی که نشانگرهای تفصیلی دارند و همیشه بین دو پاره گفتار قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد نوع ارجاع‌دهی این نشانگرها نیز در زبان فارسی به صورت مرجع مشترک باشد. برای توضیح این مطلب، مثال‌های زیر ارائه شده‌اند:

۹. S1 [آن‌ها می‌گویند که مذاکره کردن بر سر یک توافق موقت با تهران، زمان می‌برد] DM [و] S2 [اطمینانی وجود ندارد که ایران میلی به پذیرش چنین چیزی داشته باشد] (سرمقاله روزنامه کیهان، شماره ۲۲۹۰۳).

۱۰. S1 [تورم آمریکا در ماه نوامبر به ۶/۸ درصد رسیده است] DM [و] S2 [به احتمال زیاد، روند افزایشی تورم این کشور همچنان در ماه‌های ابتدایی سال آینده ادامه داشته باشد] (سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۳۵۴).

۱۱. S1 [ایران در کنار مواجهه عزتمندانه با غرب، هم رسماً عضو پیمان اقتصادی و امنیتی شانگهای می‌شود، هم در جریان اجلاس اکو با ترکمنستان و آذربایجان قرارداد سوآپ گازی منعقد می‌کند]. DM [همچنین] S2 [به لبنان و سوریه سوخت صادر می‌کند] (سرمقاله روزنامه کیهان، شماره ۲۲۹۰۸).

۱۲. S1 [اکنون، نوع مواجهه با یک پرسش می‌تواند سرنوشت بازار را به سمت «اصلاح قیمت» تغییر دهد] DM [یا] S2 [«قطع دسترسی» را تداوم ببخشد] (سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۳۱۱).

در مثال‌های ۹ تا ۱۲، نشانگرهای تفصیلی «و، همچنین، یا» بین دو جمله S1 و S2 واقع شده و آن‌ها را به هم پیوند داده‌اند. به نظر می‌رسد این نشانگرها دو پیامی را به هم پیوند داده‌اند که به نوعی، مکمل یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، در این وضعیت، دو جمله S1 و S2 برای تکمیل پیام خود، نیازمند پیام جمله دیگر هستند تا از این طریق، یک پیام کامل‌تر و جامع‌تر بیان شود. در این مثال‌ها به نظر می‌رسد هر دو جمله S1 و S2 از نظر اهمیت، در یک سطح هستند و جمله دوم، تفصیلی برای جمله اول قلمداد می‌شود؛ از این رو، از آنجایی که نشانگرهای تفصیلی بین پیام اصلی قرار می‌گیرند، می‌توان آن‌ها را نیز از نوع مرجع مشترک در نظر گرفت. بازنمایی ساخت اطلاع در مثال‌های فوق و نقش نشانگرهای تفصیلی به‌عنوان عناصری ارجاعی از نوع مرجع مشترک، در زیر ارائه شده است:

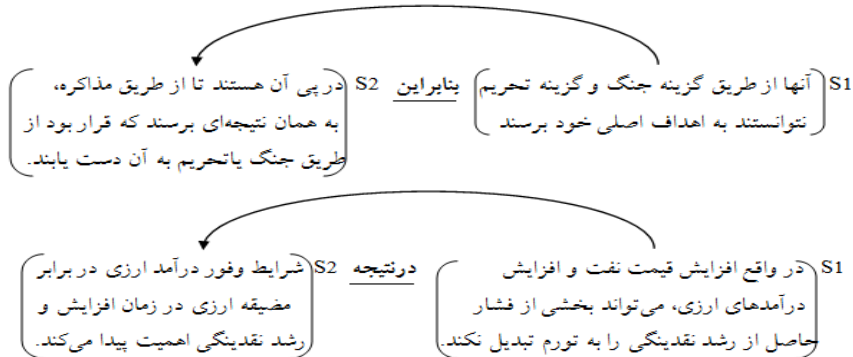
۱۵. S1 [آن‌ها نیز نمی‌توانند اسد را به زیر بکشند؛] DM [پس] S2 [باید مذاکره کنند که چگونه می‌توانند به توافقی برسند که حداقل خواسته‌های همه را پوشش دهد] (سرمقاله روزنامه کیهان، شماره ۲۲۸۳۶).

۱۶. S1 [توصی. علم اقتصاد این است که متغیرهای اسمی، نظیر تورم باید حرکت آرام و کم‌نوسان داشته باشند؛] DM [زیرا] S2 [در این شرایط، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری افزایش یافته و خطای تصمیم‌گیری کاهش خواهد یافت و در نهایت، فرصت رشد برای متغی، رهای واقعی فراهم خواهد شد] (سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۳۴۲).

در مثال‌های ۱۳ تا ۱۴ نشانگرهای استنتاجی «بنابراین، در نتیجه، پس، زیرا» بین دو جمله واقع شده و پیام‌های موجود در دو جمله S1 و S2 را به هم پیوند داده‌اند. در این مثال‌ها نشانگرهای استنتاجی، دو پیام اصلی و فرعی (اقماری) را به هم پیوند داده‌اند؛ از این‌رو، در این مثال‌ها هر دو جمله S1 و S2 از نظر اهمیت در یک سطح نیستند. از آنجایی که این نشانگرها پیش از پیام اصلی قرار می‌گیرند، آن‌ها را از نوع پس‌مرجع در نظر می‌گیریم. بازنمایی ساخت اطلاع در مثال‌های فوق و نقش نشانگرهای استنتاجی به‌عنوان عناصری ارجاعی از نوع پس‌مرجع، در زیر ارائه شده است:

نمودار ۴- بازنمایی ساخت اطلاع بر اساس نشانگرهای استنتاجی

Chart 4: representation of information structure based on inferential markers



در بازنمایی ساخت اطلاع مثال‌های ۹ و ۱۰، نوک پیکان به پیام اصلی در جمله S2 اشاره می‌کند و ابتدای فلش، پیام فرعی در جمله S1 را نشان می‌دهد. در واقع، نشانگرهای استنتاجی، نشان‌دهنده و آغازگر پیام اصلی در گفتمان قلمداد می‌شوند. در زبان فارسی به دلیل امکان جابه‌جایی دو جمله S1 و S2، ارجاع‌دهی درباره نشانگرهای زمانی، اندکی پیچیدگی ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد در زبان فارسی، برخی نشانگرها در جایگاه ابتدایی S1 تظاهر می‌یابند؛ مانند نمونه زیر:

۱۷. DM [پس از اینکه] S1 [کرونا از نقطه اوج خود فاصله گرفت]، S2 [سطح قیمت‌ها در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته شروع به خیزش کرد] (سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۳۵۴).

در مثال ۱۷ به نظر می‌رسد نشانگر زمانی «پس از اینکه» در ابتدای جمله S1 قرار گرفته است. همان‌گونه که در تعریف و فرمول‌بندی نشانگرهای گفتمان از نظر فریزر (۱۹۹۹، ۲۰۰۶) بیان شد، عبارت‌های واژگانی، پیش از بخش دوم، یعنی S2 قرار می‌گیرند؛ اما در برخی موارد، نشانگر گفتمان لزوماً در ابتدای جمله قرار نمی‌گیرد. مواردی را می‌توان یافت که در آن‌ها جایگاه‌های میانی یا پایانی جمله نیز مکانی برای حضور نشانگرهای گفتمان است. به بیان دیگر، جایگاه نشانگر گفتمان، جایگاه ثابتی نیست. در زبان فارسی به نظر می‌رسد برخی نشانگرها در ابتدای جمله S1 قرار می‌گیرند؛ اما این‌گونه نیست؛ زیرا خود نشانگر با جمله مربوط جابه‌جا شده و این جابه‌جایی به منظور تغییر در سازمان‌دهی ساخت اطلاع است. در جمله فوق، گوینده بنا بر اهمیت موضوع زمانی، ساخت اطلاع را دچار تغییر کرده است؛ زیرا به نظر می‌رسد «زمان فاصله گرفتن از نقطه اوج کرونا» از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؛ از این رو، گوینده، این بخش را پیش‌تر بیان کرده است. جمله فوق را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

۱۸. S1 [سطح قیمت‌ها در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته شروع به خیزش کرد]، DM [پس از اینکه] S2 [کرونا از نقطه اوج خود فاصله گرفت].

باتوجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد در زبان فارسی، فرمول یا قانون مرتبط با توالی جمله‌هایی که توسط نشانگرها به هم مرتبط می‌شوند، اندکی متفاوت است و می‌توان فرمول یا قانون فریزر (۱۹۹۹، ۲۰۰۶) را به صورت زیر برای زبان فارسی بازنویسی کرد:

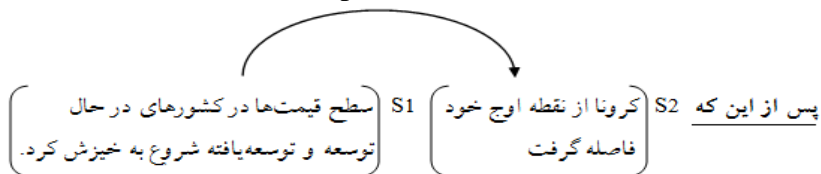
S1.S2+DM یا S2+DM .S1 -

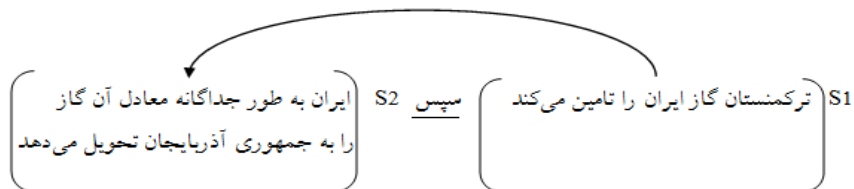
بر اساس این فرمول، در زبان فارسی، توالی S1 و S2 بسته به ساخت اطلاع می‌تواند یکی از توالی‌های فوق باشد؛ اما باتوجه به اینکه پیام اصلی، پیش از نشانگرهای زمانی قرار می‌گیرد، می‌توان این نشانگرهای گفتمان را پس مرجع در نظر گرفت؛ مانند مثال زیر:

۱۹. S1 [ترکمستان گاز ایران را تأمین می‌کند؛] DM [سپس] S2 [ایران به طور جداگانه، معادل آن گاز را به جمهوری آذربایجان تحویل می‌دهد] (سرمقاله روزنامه کیهان، شماره ۲۲۹۰۸).

در مثال‌های ۱۷ و ۱۹ نشانگرهای زمانی «پس از اینکه، سپس» بین دو جمله S1 و S2 واقع شده و اطلاعات آن‌ها را به هم مرتبط کرده‌اند. در این مثال‌ها، نشانگرهای زمانی، دو پیام اصلی و فرعی را به هم پیوند داده‌اند. از آنجایی که این نشانگرها پیش از پیام اصلی قرار می‌گیرند، آن‌ها را از نوع پس مرجع در نظر می‌گیریم. بازنمایی ساخت اطلاع مثال‌های ۱۷ و ۱۹ در زیر ارائه شده است:

نمودار ۵- بازنمایی ساخت اطلاع در نشانگرهای زمانی
Chart 5: representation of information structure based on temporal markers





در بازنمایی ساخت اطلاع مثال‌های ۱۷ و ۱۹، نوک پیکان، به پیام اصلی در جمله S2 اشاره می‌کند و ابتدای فلش، پیام فرعی در جمله S1 را نشان می‌دهد. همانند نشانگرهای استنتاجی، نشانگرهای زمانی نیز نشان‌دهنده و آغازگر پیام اصلی در گفتمان محسوب می‌شوند.

۵. نتیجه‌گیری

در خصوص نشانگرهای گفتمان، فریزر بیان می‌کند که یک عبارت واژگانی، تنها زمانی به‌عنوان یک نشانگر گفتمان (تفصیلی، تقابلی، استنتاجی و زمانی) در نظر گرفته می‌شود که در جایگاه ابتدایی S2 قرار گیرد و نشان دهد که رابطه‌ای بین S1 و S2 وجود دارد. از نظر فریزر، این روابط می‌تواند به‌صورت یک قانون یا فرمول $S1.DM+S2$ ارائه شود. در این فرمول، S1 نماینده پاره گفتار اول، DM نماینده نشانگر گفتمان و S2 پاره گفتار دوم است که نشانگر گفتمان در آن قرار دارد. بررسی پیکره زبانی جمع‌آوری شده نشان داد که در زبان فارسی، فرمول یا قانون مرتبط با توالی جمله‌هایی که توسط نشانگرها به هم مرتبط می‌شوند، اندکی متفاوت است و می‌توان فرمول یا قانون فریزر را به‌صورت $S1.DM+S2$ یا $S1.S2+DM$ برای زبان فارسی بازنویسی کرد. بر اساس این فرمول، در زبان فارسی، توالی S1 و S2 بسته به سازمان‌دهی ساخت اطلاع می‌تواند یکی از توالی‌های فوق باشد. همچنین بر اساس اهمیت اطلاعاتی که در جملات پیش و پس از نشانگرها وجود دارد، می‌توان آن‌ها را به پیش‌مرجع، پس‌مرجع و مرجع مشترک تقسیم‌بندی کرد. تحلیل پیکره زبانی تهیه شده در پژوهش حاضر مشخص کرد زبان فارسی حاوی نشانگرهای گفتمان از نوع نشانگرهای پس‌مرجع و مرجع مشترک است. در زبان فارسی، نشانگرهای تقابلی و

تفصیلی می‌توانند پیام اصلی موجود در جملات متوالی را که از نظر اهمیت در یک سطح و حاوی بخشی از پیام اصلی هستند، به هم پیوند دهند؛ به همین دلیل، چون این نشانگرها بین پیام اصلی قرار می‌گیرند، می‌توان آن‌ها را از نوع مرجع مشترک در نظر گرفت. در همین زمینه، نشانگرهای استنتاجی نشان می‌دهند که اطلاعات موجود در جمله‌هایی که در آن‌ها قرار دارند، استنتاج یا نتیجه‌ای از اطلاعات ارائه شده در جمله یا پاره گفتارهای پیشین هستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد پیام اصلی در جمله‌هایی قرار داد که این نشانگرها در آن‌ها تظاهر یافته‌اند. می‌توان گفت نشانگرهای استنتاجی از نوع پس مرجع هستند.

درباره نشانگرهای زمانی نیز تحلیل داده‌ها نشان داد این نشانگرهای بین دو جمله S1 و S2 واقع می‌شوند و اطلاعات آن‌ها را به هم مرتبط می‌کنند. در واقع، نشانگرهای زمانی، دو پیام اصلی و فرعی را به هم پیوند می‌دهند. از آنجایی که این نشانگرها پیش از پیام اصلی قرار می‌گیرند، می‌توان آن‌ها را از نوع پس مرجع در نظر گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که نشانگرهای گفتمانی مرتبط کننده پیام می‌توانند نقش و کارکردی ارجاعی در ساخت اطلاع داشته باشند. همچنین از نظر ارجاع دهی نشانگرهای گفتمانی مرتبط کننده پیام، به دو دسته پس مرجع و مرجع مشترک تقسیم می‌شوند.

منابع

- حاج عیدی، حوا و حسین رضویان (۱۳۹۷)، عوامل انسجام در داستان عدل صادق چوبک، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۶۹-۹۴.
- زارع، جواد (۱۳۹۷)، ارجاع در نشانگرهای اهمیت مطلب در سخنرانی‌های علمی دانشگاهی، مجله زبان پژوهی، دوره ۱۰، شماره ۲۹، صص ۱۷۹-۱۹۲.
- _____ (۱۳۹۸)، دسته‌بندی و بررسی عبارات نشانگر اهمیت مطلب بر اساس نقش کلامی و موقعیت قرارگیری در ارائه‌های علمی فارسی، مجله زبان پژوهی، دوره ۱۱، شماره ۳۲، صص ۲۳۱-۲۵۲.

- سالک، امیرحسین و محمّدامیر جلالی (۱۴۰۰)، **سبک‌شناسی انتقادی نامه‌ی شاه تهما سب صفوی به سلطان سلیمان عثمانی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**، فصلنامه‌ی مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۱۲، شماره ۲۶، صص ۱۹۷-۲۳۲.
- مؤمنی، نگار (۱۳۸۵)، **نشانه‌های گفتمان در زبان فارسی و انگلیسی**، فصلنامه‌ی پازند، دوره ۲، شماره ۵، صص ۵۱-۷۹.

- Blakemore, D. (1987), **Semantic constraints on relevance**, Oxford: Blackwell.
- Brown, G., and Yule. G. (1983), **Discourse analysis**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Crawford, C, B. (2004), **Audience-oriented relevance markers in business studies lectures**, In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (Eds.). *Academic discourse: new insights into evaluation* (pp. 81-97), Bern: Peter Lang.
- Crawford, C, B. (2007), **The language of business studies lectures**, Amsterdam: John Benjamins.
- Deroey, K. L. B. (2015), **Marking importance in lectures: Interactive and textual orientation**, *Applied Linguistics*, 36(1), 51-72, doi: 10.1093/applin/amt029.
- Fischer, K. (2006), **Approaches to discourse particles**, Elsevier.
- Fraser, B. (1996), **Pragmatic markers?**, *Journal of Pragmatics*, 6 (2), 167-190.
- Fraser, B. (1999), **What are discourse markers?**, *Journal of Pragmatics*, 31, 931-952.
- Fraser, B. (2006), **Towards a theory of discourse markers**, In: Fischer, Kerstin (Ed.), *Approaches to discourse particles*, (pp.189-204). Amsterdam: Elsevier Press.
- Fraser, B. (2009), **Hedging in political discourse**, In papers from the 2^d International conference on PD Warsaw. Poland (edited by Piotrcap). pp: 201-212.
- Hunston, S. (1994), **Evaluation and organization in a sample of written academic discourse**, In M. Coulthard (Ed.), *Advances in Written Text Analysis* (pp. 191-218). London: Routledge.
- Lewis, D. (2006), **Discourse markers in English: a discourse pragmatic view**, In Kerstin Fischer, (Ed.), *Approaches to discourse particles*. Elsevier, pp. 43-59.
- Partington, A. (2014), **The marking of importance in 'Enlightenment' talk**, In M. Gotti & D. S. Giannoni (Eds.), *Corpus*

Analysis for Descriptive and Pedagogical Purposes (pp. 143–166). Bern: Peter Lang.

-Redeker, G. (1991), **Linguistic markers of discourse structure**, Linguistics, 29, 1139-1172.

-Thompson, S. E. (2003), **Text-structuring metadiscourse, intonation and the signaling of organization in academic lectures**, Journal of English for Academic Purposes, 2 (1), 5–20.